

آواست که «اشتراک دردها و رنج‌ها او را
آواگر زنان همدرد خواهد نمود.»^۷

زیبا جلالی نائینی

- ۱ گفتگوی اختصاصی با راس هرم قانونگذاری در ایران.
ایران دخت شماره اول شهریور ماه ۱۳۸۰ ص ۴
- ۲ همان‌جا
- ۳ مادر با یک دست گاهواره و با دستی دیگر دنیا را تکان
می‌دهد، عروس، شماره چهارم، شهریور ماه ۱۳۸۰، ص ۳
- ۴ همان‌جا
- ۵ کلام نخست، زن جنوب، شماره اول، شهریور ماه
۱۳۸۰ ص ۴
- ۶ همان‌جا
- ۷ همان‌جا

نزدیکی بیش از پیش اصحاب مطبوعات و
اریاب اطلاعات بود.

اکنون به نظر می‌رسد طرفین این
ماجرا سعی بر رفع سوء تفاهم‌های قبلی دارند
و رفتار متقابل دموکراتیک را تمرین می‌کنند.
مصاحبه حجت‌الاسلام یونسی با روزنامه
حیات‌نو نمونه‌ای از این تمرین دموکراسی
است. نمونه‌ای که به روشنی نشان می‌دهد
طرفین بحث سر جنگ با یکدیگر ندارند و بنا
را بر گفتگو و مدارا نهاده‌اند. این نکته که وزیر
پذیرفته است با روزنامه‌ای غیر دولتی گفت و
گو کند و ابهام و رازآلودگی را از چهره وزارت
خانه پاک نماید، پدیده‌ای مبارک است و باید
آن را به فال نیک گرفت. این مصاحبه که در
شماره ۳۲۶ روزنامه حیات نو با عنوان «اولین
مصاحبه اختصاصی مطبوعاتی با وزیر
اطلاعات» به چاپ رسیده، از جهات مختلف
در خور تأمل است.

نخست آن که همچنان که گفته شد
نگاه حاکم بر وزارت اطلاعات تغییر کرده و
مسولان این وزارتخانه عزم آن دارند که از
این پس در برده عزلت نشینند و با گفت و
گوی رودررو از ابهام و پوشیدگی کار خویش
بکاهند تا سوء تفاهم‌های احتمالی برطرف شود.
دو دیگر آن که در این نگاه جدید
تبیین رابطه «امنیت» و «خواست اکثریت» در
چارچوبی دموکراتیک موضوعیت یافته است.
یونسی آشکارا می‌گوید امنیت در درجه

مفهوم دموکراتیک امنیت

پس از وقایع ناگوار پاییز ۷۷ که به
«قتل‌های زنجیره‌ای» معروف شد و به تغییرات
گسترده‌ای در وزارت اطلاعات منجر شد،
بحث لزوم پاسخ‌گویی وزارت اطلاعات و لزوم
شفافیت سیاست‌ها و عملکرد آن وزارت‌خانه
در مطبوعات و محافل سیاسی مطرح شد.
تعامل مطبوعات و وزارت اطلاعات در چند
سال اخیر یکنواخت نبود و فراز و فرود بسیار
داشت. گاه وزارت‌خانه در مقام شاکی،
رویاروی مطبوعات قرار گرفت و گاه در
مواضع رسمی خود درصدد دفاع از مطبوعات
برآمد. حاصل این روند پر فراز و نشیب

نخست برای مردم و با مردم است و تنها در این صورت است که امنیت حاکمیت حفظ خواهد شد.

سوم آن که وزیر اطلاعات کمابیش قبول دارد که عملکرد وزارتخانه در دوره‌های پیشین خالی از خطا و لغزش نبوده و می‌کوشد تا با نگاهی واقع‌گرایانه علت هراس از تشکیلات سابق از در دوره‌های قبل بیان نماید، هر چند معتقد است: «تعداد کسانی که از وزارت (اطلاعات) می‌ترسیدند، اندک بودند» و «شرایط و مقتضیات زمان جنگ» ایجاب می‌کرده وزارت اطلاعات با «این محدود افراد برخورد نماید». نکته چهارم این که مدیریت جدید وزارتخانه سعی بر بهینه‌سازی روش‌ها دارد و تا کنون «ضمن ارتباط مستمر با مجامع علمی و دانشگاهی و استعانت از نیروهای متخصص ... خود نیز به راه‌اندازی و تأمین مراکز، موسسات و مجامع علمی - تحقیقاتی مبادرت ورزیده است.»

این همه البته موجب دلگرمی و امیدواری است و چشم‌انداز در خورد توجهی را از فعالیت این وزارتخانه پیش چشم می‌گشاید. اما در مصاحبه آقای یونسی نکات دیگری هم هست که این وسوسه را در ذهن می‌افکند که مبادا در بر همان پاشنه سابق بچرخد. در این که موسسه مزبور بنا را بر واقع‌گرایی نهاده است، ظاهراً تردیدی نیست، اما چند و چون این واقع‌گرایی چندان آشکار نیست.

در تبیین علت عدم مشارکت چهارده میلیون شهروند ایرانی در انتخابات اخیر به عواملی چون کافی نبودن تعداد صندوق‌ها، امتحانات پایان ترم دانشجویان و دانش‌آموزان، فصل پرکاری کشاورزان و دامداران و بالاخره درجه حرارت هوا و طولانی شدن صف‌ها اشاره می‌کنند و تنها در برابر سماجت خبرنگار می‌پذیرد که: «به هر حال اقلیت محدودی هستند که به دلیل برخی نارضایتی‌ها... ممکن است در انتخابات شرکت نکرده باشند.»

در تحلیل علت اقبال عمومی به رئیس‌جمهور نیز یونسی هر چند در ابتدای مصاحبه به درستی بر نکاتی مانند «انطباق دیدگاه ایشان با خواست اکثریت» تأکید می‌نهد، در پاسخ به سوالی دیگر از «اعتماد مردم به یک روحانی» سخن می‌گویند و با یادآوری این نکته که در بین رقبای آقای خاتمی «شخصیت‌های دیگری هم بودند که از مدارج علمی و تخصص بالایی برخوردار بودند» سنگینی بحث را بر تقابل دانشگاهی و روحانی می‌گذارد و نتیجه می‌گیرد که «روحانیت می‌تواند در متن مدیریت و حیات سیاسی کشور قرار داشته باشد. (مشروط به این که بتواند) تعامل مناسب با مردم داشته باشد، مقتضیات زمان را به خوبی درک کرده و با توجه به چارچوب‌های دینی و اسلامی آن را بازسازی و مبدل به یک رویکرد جدیدی که

توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه را داشته باشد، بنماید.»

از بحث علت عدم مشارکت میلیون‌ها بخشی از جامعه در می‌گذریم، چرا که آمار و ارقام رسمی می‌تواند سنجۀ خوبی برای تشخیص درستی یا نادرستی گفتار وزیر اطلاعات باشد. این که چند درصد از افراد جامعه به کار کشاورزی و دامداری مشغولند یا این که فعالیت دانش‌آموزان و دانشجویان چه اندازه در میزان مشارکت مردم در انتخابات موثر بوده، تنها با ارائه آمار و ارقام معتبر قابل بحث و بررسی است.

اما آنجا که بحث بر سر تغییر گروه‌های مرجع است و آقای یونسی پیروزی آقای خاتمی را به پای روحانیت می‌نویسد، جای گفتگوی بسیار دارد. واقعا با کدام استدلال می‌توان آقای خاتمی را نماینده روحانیت دانست و برخی رقبای ایشان را نماینده دانشگاهیان به شمار آورد؟ آیا صرف این که کسی به صنفی تعلق داشته باشد دلیل کافی بر این است که نمایندگی آن صنف را برعهده دارد؟ اگر چنین است چرا نباید آقای فلاحیان را نماینده روحانیت به شمار آورد؟

تحلیل علت «هراس» مورد بحث بعضی مردم از وزارت اطلاعات نیز از زبان آقای وزیر چنین است که: «اولا تعداد کسانی که از وزارت (اطلاعات) می‌ترسیدند، اندک بودند، ثانيا شرایط و مقتضیات زمان جنگ و

آشوبی که گروهک‌های تروریستی در قتل، ترور و آدم‌ربایی در داخل کشور ایجاد کرده بودند... خود به خود موجب شد که وزارت (اطلاعات) برای تامین امنیت جمعی با برخی از این افراد معدود برخورد نماید. این برخوردها توسط گروهی بزرگ‌نمایی شد و تعدادی اندک از مردم را تحت تاثیر قرار داد. اما اکنون دیگر بر این سوء ظن دلیلی وجود ندارد. اکنون ما معتقد به «خوشبینی متقابل، یا اعتماد متقابل هستیم.»

داستان «هراس» مردم از وزارت اطلاعات، سخن بر سر اندک و بسیار نیست، بلکه مساله این است که در دوره‌ای عملکرد این وزارتخانه به گونه‌ای بوده که بخشی از شهروندان از آن هراس داشته‌اند. روشن است که برخورد با تروریست‌ها و آدم‌ربایان و قاتلان هر چند هم به تعبیر آقای یونسی «بزرگ‌نمایی» شود موجب ترس عده‌ای (ولو اندک) نمی‌شود. بنابراین سخن بر سر کیفیت آن «برخورد» هاست نه کمیتشان. چرا که اگر «برای تامین امنیت جمعی» مجاز باشیم با «افراد معدود» هر گونه «برخورد» می‌کنیم، شاید پاره‌ای از اقدامات قطعاً ناپسند پیشین را نیز بتوان موجه شمرد.

سعید شریفی

۱۹۳
مکتب